علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۷ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۴، ص ۷۰ – ۸۹

بررسی روایات أهل‌سنت در موضوع جمع آوری قرآن

سیدنصرالله موسوی منش[۱]

چکیده : روایات أهل‌سنت در موضوع جمع آوری قرآن به پنج قسم کلی تقسیم می‌شوند و هر کدام از این اقسام دسته و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. اختلاف‌های موجود در مضمون این روایات باعث ایجاد تعارض و تناقض بین این أخبار شده است. از سوی دیگر، تمام این روایات خبر واحد می‌باشند، امّا محفوف به قرائن قطعی هستند. این نوشتار بر آن است تا این مسأله را مورد واکاوی تحلیلی ـ انتقادی قرار دهد. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این نوشتار، پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر ترغیب مسلمانان به نگاشتن آیات قرآنی، خود نیز هر آنچه از آیه‌های قرآن نازل می‌شد، توسط کاتب شخصی خود بر روی قطعه‌هایی از کاغذ، پوست، حریر و.. در نسخه‌ی خاصی ثبت کرده و نزد خویش نگه‌داری می‌کرد، امّا از آنجا که رسول خدا ﷺ در حال حیات بود هر لحظه احتمال نزول آیه‌های قرآنی می‌رفت، بنابراین تدوین این آیه‌ها در یک مصحف که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، تا هنگام پایان یافتن نزول قرآن، امکان نداشت؛ به همین جهت پیامبر گرامی ﷺ این وظیفه‌ی مهم را به جانشین معصوم خود که حافظ و مبیّن کتاب الهی بود، سپردند و أمیرمؤمنان علیه‌السلام نیز پس از رحلت پیامبر ﷺ به این مهم پرداخت، امّا مصحف ایشان به دلایلی پذیرفته نشد. از سوی دیگر، چون قرآن نخستین مرجع تشریع دین اسلام است، ضرورت داشت دستگاه خلافت وقت از دیگر حافظان و کاتبان وحی استفاده کنند تا با جمع آوری آیه‌های قرآن از روی قطعات سنگ، چوب، کاغذ، استخوان و آنچه را که در سینه‌ها به صورت متواتر حفظ شده بود، قرآن را ضبط نمایند و خلأ از دست رفتن حافظان قرآن را جبران کنند.

واژگان کلیدی: قرآن؛ جمع؛ جمع آوری قرآن؛ روایات أهل‌سنت.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱.

۱. پژوهشگر علوم اسلامی بنیاد فرهنگ جعفری/mosavimanesh14@gmail.com

سال بیست و دوم، شمارۀ ۸۷، تابستان ۱۴۰۴

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی دوران نگارش و تدوین قرآن است. تاریخ و کیفیت گردآوری و تألیف قرآن از مسائل مهمی است که قرن‌های متمادی ذهن پژوهشگران علوم قرآنی را به خود مشغول ساخته است و به دلیل وجود روایات و متون تاریخی مختلف در این زمینه، موجب ایجاد آراء و دیدگاه‌های مختلف گردیده است. همه‌ی اندیشمندان بر این نظر اتفاق دارند که نگاشتن کل آیات قرآنی در زمان حیات پیامبر ﷺ انجام شده است، امّا در جمع آوری و تدوین آن نوشته‌ها به شکل یک مصحف و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها در آن زمان، اختلاف نظر دارند. می‌توان گفت: این اختلاف ناشی از فهم کلمه‌ی «جمع» و چگونگی استدلال به روایات متعارض ومتناقض این باب می‌باشد. این نوشتار بر آن است تا روایات أهل‌سنت در موضوع گردآوری آیات قرآنی را مورد واکاوی تحلیلی ـ انتقادی قرار دهد.

باید گفت: در موضوع جمع آوری و تدوین آیات قرآن، روایات فراوانی از أهل‌سنت با مضمون‌های مختلف نقل شده است. با توجه به مضمون این روایات می‌توان آنها را به چند قسم کلی تقسیم کرد که هر کدام از این اقسام دسته و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شوند. در ادامه به بررسی این أخبار پرداخته خواهد شد.

۱. روایات مربوط به دوران پیامبر اکرم ﷺ

روایات مربوط به موضوع جمع آوری آیات قرآن در زمان حیات رسول خدا ﷺ خود به دو دسته‌ی کلی تقسم می‌شوند.

۱-۱. دسته‌ی اول بر جمع آوری قرآن در دوران پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارند که خود نیز به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۱-۱-۱. روایاتی که دلالت می‌کنند افراد انگشت شماری در زمان حیات رسول خدا ﷺ آیات قرآن را گرد آورده‌اند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج۵، ص۳۷، ح۳۸۱۰ و ج۶، ص۱۸۷، ح۵۰۰۳-۵۰۰۴؛ مسلم نیشابوری، المسند الصحیح، ج۴، ص۱۹۱۴، ح۲۴۶۵؛ ابن حنبل، المسند، ج۲۱، صص۱۱۴ و ۳۷۹، ح۱۳۴۴۱ و ۱۳۹۴۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج۹، ص۳۱۲، ح۱۵۷۲۲ و ج۱۰، ص‌ص۴۱-

۴۲، ح۱۶۵۳۷-۱۶۵۳۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۵۸۹، ح۴۷۹۷-۴۷۹۸. طبرانی، المعجم الکبیر، ج۲، ص۲۶۱، ح۲۰۹۲ و ج۶، ص۵۴، ح۵۴۹۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج۳، صص۱۱۳۰ و ۱۲۹۳؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج۱، ص۳۵، ح۲۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج۳۹، ص۱۷۸؛ ابن ندیم، الفهرست، ج۱، ص۴۵؛ نسایی، السنن الکبری، ج۷، ص۲۷۶، ح۸۰۱۰؛ ابن حبان، الصحیح، ج۳، ص۳۳، ح۷۵۶؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۵۰)

با بررسی این گروه از روایات چندین نکته قابل تأمل است:

یک: این دسته از متون و روایات از نوع «خبر واحد» می‌باشند که به خودیِ خود علم آفرین نخواهد بود. قاضی أبوبکر باقلانی در کتاب «الانتصار للقرآن» به این موضوع تصریح کرده و علاوه بر آن به ضعف سند و عدم دقت در نقل و ضبط این نوع اخبار نیز اذعان دارد. ایشان می‌گوید: «نخستین سخنی که در این‌باره (حفظ و گردآوری قرآن) می‌گوییم، این است که اخبار مربوط به حفظ این افراد، خبر واحد بوده و به گونه‌ی مختلف و متفاوت نقل شده است که دلالت بر اضطراب، ضعف سند و عدم دقت در نقل و ضبط این اخبار می‌کند». (باقلانی، الانتصار للقرآن، ج۱، ص۱۶۶)

دو: در تعداد و نام جمع کنندگان ذکر شده در این گونه متون اختلاف وجود دارد. همین مسأله باعث ایجاد تعارض و گاه تناقض بین آنها شده است. وجود تعارض و تناقض باعث می‌شود که این گونه روایات، از حجیت و اعتبار ساقط شوند. باقلانی در این زمینه می‌گوید: «بیشتر این روایات از جهت زیاده و نقصان، مختلف، متفاوت و مضطرب می‌باشند». (باقلانی، الانتصار للقرآن، ج۱، ص۱۷۱)

سه: برخی از اندیشمندان أهل‌سنت سعی در توجیه تعارض و تناقض موجود بین این أخبار برآمده‌اند. به عنوان نمونه، «ابن حجر عسقلانی» به جهت تعارض حدیث انس بن مالک ـ که عدد جمع کنندگان قرآن را در چهار نفر محصور کرده ـ با دیگر روایات، هشت توجیه از «أبوبکر باقلانی» بدین شرح نقل می‌کند:

۱- حدیث انس مفهوم ندارد، بنابراین از سخن وی لازم نمی‌آید که غیر از این افراد (چهار نفر) قرآن را گردآوری نکرده باشد.

۲- منظور از سخن انس این است که کسی جز این چهار نفر، قرآن را بر تمام وجوه و قراءاتی که بر آن نازل شده، جمع ننموده است.

۳- منظور این است که کسی جز این چهار نفر آیات «منسوخ التلاوة» و غیر منسوخ را جمع نکرده است.

۴- منظور از جمع این چهار نفر، دریافت بدون واسطه‌ی قرآن از زبان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

۵- منظور این است که تنها این افراد متصدی انتشار و آموزش قرآن شده‌اند؛ به همین جهت به جمع آن مشهور گشته و وضعیت دیگران مخفی ماند.

۶- منظور از جمع این چهار نفر، کتابت و نوشتن قرآن است. بنابراین، مطلب مذکور هیچ منافاتی با این سخن ندارد که غیر از این افراد نیز قرآن را از حفظ جمع کرده باشند، ولی افراد مذکور قرآن را هم با نوشتن و هم از حفظ جمع کرده‌اند.

۷- منظور این است که تنها این افراد آشکار نموده که تمام قرآن را در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله حفظ کرده‌اند.

۸- جمع در حدیث انس به معنای گوش دادن به فرامین قرآن، اطاعت و عمل کردن به آن است. (نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباري، ج۹، ص۵۱)

همچنین «نووی» و «سیوطی» در توجیه این حدیث، از «مازری» چنین نقل می‌کنند: «مازری می‌گوید:...در حدیث أنس هیچ گونه تصریحی مبنی بر اینکه غیر از این چهار نفر قرآن را جمع آوری نکرده، وجود ندارد. چه بسا مراد أنس از این سخن یعنی افرادی از انصار که قرآن را جمع آوری نموده و او از آنها آگاهی دارد چهار نفر می‌باشند، امّا وی افراد دیگر را که به آنها علم ندارد نفی نکرده است؛ زیرا اگر نفی می‌کرد لازمه‌ی آن نفی آگاهی از خودش می‌باشد». (نووی، المنهاج، ج۱۶، ص۱۹؛ سیوطی، الدیباج علی مسلم، ج۵، ص۴۲۸)

چهار: در معنای و مفهوم «جمع قرآن» که در این روایات ذکر شده، دو نگاه متفاوت وجود دارد.

در نگاه نخست که نگاه بسیاری از اندیشمندان أهل‌سنت نیز بوده و هست، «جمع

قرآن» به معنای «حفظ قرآن» دانسته شده است. در ذیل به چند مورد از طرفداران این نگاه اشاره می‌گردد.

* بدرالدین عینی در کتاب «عمده القاري»، مبارکفوری در کتاب «تحفه الأحوذي»، قسطلانی در کتاب «ارشاد الساري» و ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباري» ذیل حدیث انس، «جمع قرآن» را به معنای حفظ آن دانسته‌اند. (نک: عینی، عمده القاري، ج۱۶، ص۲۷۲؛ مبارکفوری، تحفه الاحوذي، ج۱۰، ص۱۷۸؛ قس‌طلانی، ارشاد الساري، ج۶، ص۱۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج۷، ص۱۲۷)

* سیوطی در کتاب «الاتقان في علوم القرآن» این حدیث را در نوع بیستم، ذیل عنوان «حافظان و روایت کنندگان قرآن» ذکر می‌کند. این أمر نشان می‌دهد که وی جمع را به معنای «حفظ» می‌داند.

* زرکشی نیز در کتاب «البرهان في علوم القرآن» ذیل عنوان «في بيان مَن جمع القرآن حفظاً من الصحابة على عهد رسول الله ﷺ» (در بیان اینکه افرادی از یاران رسول خدا ﷺ قرآن را در حافظه جمع آوری کردند) به برخی از روایات این گروه استدلال می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت: وی نیز کلمه‌ی «جمع» یاد شده در این روایات را به معنای «حفظ» می‌داند.

* زرقانی در کتاب «مناهل العرفان في علوم القرآن» بسیاری از روایات گذشته را در مبحث هشتم ذیل عنوان «جمع القرآن بمعنى حفظه في الصدور» (جمع آوری قرآن به معنای سپردن آن در سینه‌ها) آورده و این نشان می‌دهد که ایشان نیز کلمه‌ی «جمع» ذکر شده در این روایات را به معنای «حفظ» پذیرفته است.

* از اندیشمندان امامیه نیز آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی رحمه‌الله در کتاب «قرآن در اسلام» در بحث «طبقات قراء» چنین می‌نویسد: «مراد از جمع کردن قرآن که در بعضی از آثار به چهار تن از انصار و در بعضی به پنج و در بعضی به شش و در بعضی به بیشتر نسبت داده شده تعلّم و حفظ همه‌ی قرآن می‌باشد، نه تألیف و ترتیب سور و آیات آن، و گرنه هیچ موجبی برای دو فقره جمع و ترتیب مصحف که در عهد خلیفه‌ی اول و خلیفه‌ی سوم باشد، نبود». (طباطبایی، قرآن در اسلام، صص۲۰۴-۲۰۵)

در نگاه دوم که مربوط به برخی از علمای امامیه می‌باشد، کلمه‌ی «جمع» به معنای تدوین دانسته شده است. به عنوان نمونه:

* آیت‌الله سید أبوالقاسم خویی رحمه‌الله در تفسیر «البیان» در بحث جمع قرآن پس از استدلال به برخی از این روایات بر «جمع آوری قرآن در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» چنین می‌نگارد: «چه بسا کسی بگوید: مراد از جمع در این روایات به معنای تدوین نیست، بلکه به معنای جمع در سینه‌ها (حفظ) می‌باشد. در پاسخ باید گفت: این سخن ادعای بدون شاهد و دلیل است». (خویی، البیان في تفسیر القرآن، ص۲۵۱)

* سید محمد باقر حکیم در کتاب «علوم القرآن» در فصل «تدوین القرآن في زمن النبيّ صلی‌الله‌علیه‌وآله» پس از نقل چند حدیث از این روایات می‌نویسد: «ناگزیر باید مراد از "جمع" در این روایات همان "تدوین" باشد؛ چرا که معقول نیست عدد حافظان قرآن، این تعداد محدود باشد». (حکیم، علوم القرآن، ص۱۰۷)

۱-۱-۲. حدیث نبوی که در آن به گرفتن قرآن از افراد خاصی دستور داده شده است. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج۶، ص۱۸۶، ح۴۹۹۹ و ج۵، ص۳۶، ح۳۸۰۸)

با بررسی حدیث یاد شده می‌توان گفت:

الف) این حدیث از نوع «خبر واحد» است که به خودیِ خود علم آفرین نیست و نمی‌توان بدان استدلال کرد.

ب) با وجود اصحاب بزرگی همچون أمیرمؤمنان علیه‌السلام، معنایی ندارد که قرآن تنها از راه این چند نفر فراگرفته شود.

ج) با فرض پذیرش، این حدیث، دلالت بر جمع و تدوین قرآن به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در یک مجموعه‌ی خاص نمی‌کند و تنها به فراگیری قرآن از افراد خاصی اشاره دارد. این فراگیری به صورت آیات و سوره‌های پراکنده از حافظه‌ی آن افراد نیز امکان دارد و نیازی به جمع و ترتیب آنها در یک مجموعه‌ی خاص نیست که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد. با توجه به اینکه نزول قرآن در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تدریجی بوده، این احتمال قابل قبول است.

۱-۱-۳. حدیث مشهور زید بن ثابت که حکایت از تألیف قرآن در زمان حیات پیامبر ﷺ می‌کند. (نک: حاکم نیشابوری، المستدرک، ج۲، صص۲۴۹ و ۶۶۸، ح۲۹۰۱ و ۴۲۱۷) سیوطی در ذیل این حدیث از بیهقی چنین نقل می‌کند: «بیهقی گوید: چه بسا مراد از سخن زید بن ثابت، تألیف و جمع آیه‌های پراکنده در سوره‌ها به دستور پیامبر اکرم ﷺ باشد». (سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۳)

۱-۱-۴. حدیث حاکی از اینکه افرادی در زمان رسول گرامی ﷺ قرآن را ختم کرده‌اند. (نک: متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۵۹۰، ح۴۷۹۹)

با بررسی این حدیث نیز می‌توان گفت:

الف) هر چند این حدیث از نوع «خبر واحد» بوده و به خودیِ خود علم آفرین نیست، امّا این حدیث تنها به ختم قرآن تصریح دارد و دلالت بر جمع و تدوین قرآن به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در یک مجموعه‌ی خاص نمی‌کند؛ چون ختم قرآن از محفوظات نیز امکان پذیر است و نیازی به قرائت نگاشته‌ها نیست.

ب) از آنجا که در دوران حیات رسول خدا ﷺ آیه‌های قرآن به تدریج نازل و ابلاغ گردیده است، ختم در این حدیث نمی‌تواند ختم کلّ قرآن باشد. بنابراین با فرض پذیرش این حدیث باید گفت: منظور از ختم، ختم آیه‌هایی است که تا آن زمان ابلاغ گردیده است. آری، در صورتی می‌توان ادعا کرد این ختم، ختم کلّ قرآن است که چنین ختمی در لحظات آخر حیات شریف پیامبر اکرم ﷺ صورت پذیرفته باشد، امّا چنین أمری به دلیل محدودیت زمانی امکان پذیر نبوده، مگر از راه اعجاز؛ که در این فرض نیز هیچ دلالتی بر جمع و تدوین قرآن به معنای گفته شده نخواهد داشت.

۱-۱-۵. حدیث نبوی که مقدار ثواب قرار داده شده برای قرائت قرآن از روی مصحف را بیان می‌کند. (نک: هیثمی، مجمع الزوائد، ج۷، ص۱۶۵، ح۱۱۶۶۸)

این حدیث نیز از نوع «خبر واحد» است و نهایت مطلبی که بر آن دلالت می‌کند، بیان کردن مقدار ثواب مترتب بر خواندن قرآن از روی مصحف یا حافظه است، امّا بر این مطلب که در مصحف یاد شده کلّ قرآن جمع آوری شده باشد، هیچ گونه دلالتی ندارد. می‌توان گفت: این حدیث در جهت تشویق مسلمانان به نوشتن آیه‌های قرآن است؛ چون هنگامی

که ثواب خواندن قرآن از روی نگاشته‌ها بیش از خواندن آن از حافظه باشد، مسلمانان نیز به نوشتن آیه‌ها و خواندن آنها از روی نوشته‌ها تشویق خواهند شد.

۱-۱-۶. حدیثی که دلالت می‌کند پیامبر گرامی ﷺ تنها چیزی که پس از خویش بر جای گذاشته، همان قرآنِ نوشته شده است. (نک: بیهقی، شعب الإیمان، ج۱، ص۳۴۳، ح۱۷۰)

باید گفت: این حدیث علاوه بر خبر واحد بودن که به خودیِ خود علم آفرین نمی‌باشد، تنها نشان می‌دهد که قرآن به عنوان یک میراث گران‌بها از سوی پیامبر اکرم ﷺ پس از رحلت خویش برجای مانده است، ولی دلالتی بر جمع و تدوین همه‌ی آیه‌های قرآن به همراه ترتیب آنها در یک مجموعه‌ی خاص ندارد.

۱-۱-۷. روایاتی که حکایت از ترتیب آیات و سوره‌ها به دستور رسول گرامی ﷺ هنگام نزول قرآن می‌کنند. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج۲، ص۶۳، ح۲۳۷۶؛ زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۴۱؛ ابن حنبل، المسند، ج۲۹، ص۴۴۱، ح۱۷۹۱۸)

نکته‌ی قابل ذکر اینکه در متون دیگری آمده که نازل شدن "بسم الله الرحمن الرحیم" نشانه‌ی شروع سوره‌ی جدید و تمام شدن سوره‌ی قبلی است. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج۲، ص۶۳، ح۲۳۷۷ و ۲۳۷۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۵۸۰، ح۴۷۷۲). بنابراین از آنجا که «بسم الله الرحمن الرحیم» جداکننده‌ی سوره‌ها است، تعیین مکان آیه‌ها در سوره‌های مختلف معنایی نخواهد داشت! چون تا زمانی که «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل نشده باشد، هر آنچه از آیه‌ها نازل شود مربوط به همان سوره خواهد بود.

از سوی دیگر، چون نزول و ابلاغ آیه‌های قرآن، تدریجی و بر اساس شرایط زمانی و مکانی بوده است، چنانچه مصحف‌ها را همانند دفتری در نظر بگیریم که ابتدا و انتها داشته باشد و صفحات سفید آن ـ بدون در نظر گرفتن جنس آنها ـ از ابتدا تا انتها به مرور و با نوشتن پر شوند، تعیین مکان آیه‌ها در سوره‌های مختلف، باعث تغییر مداوم و همیشگی مصحف‌ها خواهد بود.

افزون بر این، آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله در کتاب «قرآن در اسلام» چنین می‌گوید: «آنچه در برخی از روایات وارد شده که جای هر یک از سُوَر و آیات قرآن مجید به دستور خود

پیغمبر اکرم ﷺ معین و مشخص بود، مطلبی است که بقیه‌ی روایات عموماً آن را تکذیب می‌کند». (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص۲۰۵)

۱-۲. دسته‌ی دوم، روایاتی است که جمع آوری قرآن در دوران حیات رسول خدا ﷺ را نفی می‌کنند. (سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۲؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج۹، ص۱۲)

با بررسی این دسته از روایات می‌توان گفت:

الف) مضمون این دسته از روایات با روایات دسته‌ی اول تعارض و تناقض دارد.

ب) این روایات هیچ گونه منافاتی با حفظ قرآن و نوشتن آیه‌ها بر روی اشیای مختلف در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ ندارند.

ج) برای جمع نشدن قرآن در این گونه متون می‌توان چندین احتمال در نظر گرفت: ۱-جمع نشدن آیه‌ها در سوره‌ها ۲-مرتب نشدن سوره‌ها ۳-جمع نشدن آیه‌ها و سوره‌ها در یک مکان همانند پارچه، خورجین، کیسه و.. ۴-نوشته نشدن آیه‌ها و سوره‌ها و مرتب نشدن آنها در یک مصحف.

۲. روایات مربوط به جمع آوری قرآن توسط أمیرمؤمنان علیه‌السلام

این دسته از روایات دلالت می‌کنند که جمع آوری قرآن بلافاصله پس از رحلت رسول گرامی ﷺ و توسط أمیرمؤمنان علیه‌السلام صورت گرفته است. مضمون بسیاری از این روایات بدین صورت است که أمیرمؤمنان علیه‌السلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ از بیعت با خلیفه‌ی اول سر باز زده، به جمع آوری قرآن مشغول شده و با خود عهد بست تا زمانی که قرآن را جمع نکرده ردای خویش را بر دوش نگذارد مگر برای نماز. (نک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج۳، ص۹۷۴؛ محب الدین طبری، الریاض النضره، ج۱، ص۲۴۲؛ ابن أبی‌شیبه، المصنف، ج۶، ص۱۴۸، ح۳۰۲۳۰؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، صص۲۰۴ و ۲۴۸؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۵۹-۶۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۱۳، صص۱۲۷-۱۲۸، ح۳۶۴۰۳؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج۱، صص۳۶-۳۸، ح۲۳-۲۶؛ ابن ندیم، الفهرست، ص۴۵-۴۶؛ أبونعیم، حلیه الأولیاء، ج۱، ص۶۷؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبي، ج۲، ص۱۳۵)

۳. روایات مربوط به دوران خلافت أبوبکر

روایات مربوط به موضوع جمع آوری قرآن در زمان خلافت أبوبکر خود به دو دسته‌ی کلی تقسم می‌شوند.

۳-۱. دسته‌ی اول دلالت می‌کنند که جمع آوری قرآن در زمان خلافت أبوبکر و به دستور او صورت گرفته است. این روایات به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۳-۱-۱. روایاتی که با صراحت نخستین جمع کننده‌ی قرآن را أبوبکر می‌دانند. (نک: ابن أبی‌شیبه، المصنف، ج۶، ص۱۴۸، ح۳۰۲۲۹ و ۳۰۲۳۱؛ محب الدین طبری، الریاض النضره، ج۱، ص۱۶۲؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۴۸-۵۰؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، صص۲۰۴، ۲۰۶ و ۲۰۷-۲۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباري، ج۹، ص۱۶)

۳-۱-۲. روایاتی که دلالت می‌کنند پس از آنکه قاریان و حافظان قرآن در جنگ یمامه کشته شدند، أبوبکر دستور جمع آوری قرآن را صادر کرد. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج۶، صص۷۱ و ۱۸۳، ح۴۶۷۹ و ۴۹۸۶؛ ج۹، صص۷۴-۷۵، ح۷۱۹۱؛ بیهقی، السنن الکبری، ج۲، صص۶۰-۶۱، ح۲۳۷۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۷۵-۵۷۶، ح۴۷۶۲؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبي، ج۲، ص۱۳۵)

۳-۱-۳. روایاتی که کیفیت جمع آوری آیات قرآن در زمان خلافت أبوبکر را حکایت می‌کنند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج۶، ص۱۸۴، ح۴۹۸۹؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، ص۵۱؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۵۷۴، ح۴۷۵۶ و صص۵۷۶-۵۷۷، ح۴۷۶۴)

۳-۱-۴. حدیثی که دلالت می‌کند متصدی جمع قرآن شخص أبوبکر بوده است. (نک: ابن عبدالبر، التمهید، ج۸، ص۳۰۰؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، ص۵۷؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج۹، ص۱۶؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۷)

۳-۲. این دسته از متون دلالت می‌کنند که أبوبکر قرآن را جمع نکرده است. سیوطی درکتاب «الاتقان» می‌گوید: «ابن اشته در کتاب "المصاحف" با سند صحیح از محمد بن سیرین نقل می‌کند که وی گفت: أبوبکر از دنیا رفت در حالی که قرآن هنوز جمع آوری

نشده بود». (سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۴۸) همو در ادامه از ابن اشته چنین نقل می‌کند: برخی گفته‌اند: منظور از «جمع نکردن» یعنی تمام قرآن را از حفظ قرائت نکرده است. برخی دیگر نیز گفته‌اند: مراد از جمع، «جمع مصاحف» است.

وی در کتاب دیگر خود به نام «تاریخ الخلفاء» چنین دارد: «ابن أبی‌داود از شعبی چنین نقل می‌کند: أبوبکر از دنیا رفت و موفق به جمع آوری تمام قرآن نگردید». (سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص۳۸) همو در ادامه دارد: این حدیث دفع می‌شود یا به این معنا قابل تأویل است که مراد از جمع، جمع نشدن قرآن در یک مصحف ـ بر اساس ترتیب عثمان ـ است.

۴. روایات مربوط به دوران خلافت عمر

روایات مربوط به موضوع جمع آوری آیات قرآن در زمان خلافت عمر بن خطاب، خود به دو دسته‌ی کلی تقسم می‌شوند.

۴-۱. روایاتی که دلالت می‌کند جمع آوری قرآن در زمان خلافت عمر صورت گرفته است. (نک: ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۶۰ و ۶۳؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، صص۲۰۴-۲۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج۹، ص۱۳؛ متقی هندی، کنز العمال: ج۲، صص۵۷۵ و ۵۷۸، ح۴۷۶۰ و ۴۷۶۷)

سیوطی پس از نقل حدیث اول می‌گوید: سند حدیث منقطع است و منظور از جمله‌ی: «فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ جَمَعَهُ» (وی نخستین شخصی بود که قرآن را جمع آوری کرد) یعنی نخستین شخصی است که پیشنهاد جمع آوری آن را داد. (نک: سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۵)

ابن حجر عسقلانی نیز به حدیث یاد شده اشاره کرده و می‌گوید: سند حدیث منقطع است و اگر محفوظ باشد چنین حمل می‌شود که جمله‌ی: «فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ جَمَعَهُ» (وی نخستین شخصی بود که قرآن را جمع آوری کرد) یعنی نخستین شخصی بود که در زمان خلافت أبوبکر پیشنهاد جمع آوری آن را داد و به همین سبب جمع قرآن به وی نسبت داده می‌شود. (نک: ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج۹، ص۱۳)

۴-۲. دسته دوم جمع آوری قرآن در دوران عمر را نفی می‌کنند. (نک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج۳، ص۲۲۴؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۴۸؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، ص۶۲؛ ابن أبی‌شیبه، المصنف، ج۶، ص۱۱۶، ح۲۹۹۲۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۷۴-۵۷۵ و ۵۷۸-۵۷۹، ح۴۷۵۷، ۴۷۵۹ و ۴۷۶۸)

۵. روایات مربوط به دوران خلافت عثمان

روایات مربوط به موضوع جمع آوری قرآن در زمان خلافت عثمان، خود به دو دسته‌ی کلی تقسم می‌شوند.

۵-۱. دسته‌ی اول گویای جمع آوری قرآن در زمان خلافت عثمان است که خود به چند گروه تقسیم می‌شوند.

۵-۱-۱. روایاتی که می‌رساند در فتح ارمینیه و آذربایجان میان شامیان و عراقی‌ها در قرائت قرآن اختلاف صورت گرفت؛ به همین علت عثمان تصمیم گرفت که قرآن را در چندین نسخه جمع آوری کند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج۶، صص۱۸۳-۱۸۴، ح۴۹۸۷؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، صص۲۰۸-۲۰۹؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۸۸ و ۹۳-۹۴؛ ابن حبان، الصحیح، ج۱۰، ص۳۶۵، ح۴۵۰۷؛ بیهقی، السنن الکبری، ج۲، صص۶۱-۶۲، ح۲۳۷۴)

باید گفت: این روایات به روشنی گویای این مطلب‌اند که آن جمعی که در زمان خلافت أبوبکر صورت گرفته است، جمع آوری قرآن در مصحفی نبوده که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، بلکه آیه‌ها در صحیفه‌های جداگانه جمع آوری شده بود.

۵-۱-۲. روایاتی که اختلاف شدید بین مسلمانان در قرائت قرآن در زمان خلافت عثمان را می‌رسانند که در پی آن، عثمان تصمیم به جمع آوری قرآن می‌گیرد. (نک: ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۹۵-۹۶، ۱۰۰-۱۰۲ و ۱۰۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۸۲-۵۸۳ و ۵۸۴-۵۸۶، ح۴۷۷۶، ۴۷۷۹، ۴۷۸۰ و ۴۷۸۲؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۰۹)

۵-۱-۳. روایاتی که کیفیت نوشتن آیات و سوره‌ها در زمان خلافت عثمان را حکایت می‌کنند. (نک: متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۸۰ و ۵۸۸، ح۴۷۷۱، ۴۷۷۲ و ۴۷۹۳)

۵-۱-۴. روایاتی که کیفیت رونوشت آیه‌های قرآن در مصحف در زمان خلافت عثمان را

می‌رسانند. (نک: ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۲۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۸۶-۵۸۷، ح۴۷۸۳-۴۷۸۵، ۴۷۸۷ و ۴۷۸۹)

۵-۲. بر اساس روایات دسته‌ی دوم، عثمان تنها مسلمانان را بر یک مصحف جمع کرده و به یک قرائت وادار نموده است. (نک: بیهقی، السنن الکبری، ج۲، ص۶۲، ح۲۳۷۵؛ ابن أبی‌داود، المصاحف، صص۶۹ و ۹۷-۹۸؛ سیوطی، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص۲۱۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، صص۵۸۰-۵۸۱ و ۵۸۳-۵۸۴، ح۴۷۷۴ و ۴۷۷۷)

۶. بررسی کلی روایات

در نقد و بررسی کلی روایات یاد شده باید گفت:

اول: استدلال به روایات أهل‌سنت به معنای پذیرش آنها نیست، بلکه به معنای الزام خصم است به مطالبی که مورد پذیرش اوست؛ چرا که اصل اولیه نزد امامیه نپذیرفتن روایات أهل‌سنت و عمل نکردن به آنهاست؛ شیخ حر عاملی رحمه‌الله در همین زمینه می‌فرماید: «فقد تواترت الأحادیث عن أئمّتنا علیهم‌السلام بالنهي عن روایة أحادیث العامة وإن کانت في مدح أهل البیت علیهم‌السلام، کما روی في عیون الأخبار، وغیره، وعن العمل بها، بل ورد عنهم الأمر بمخالفتها إذا لم یکن عندنا دلیل یوافقها». (از امامان معصوم ما روایات متواتر وارد شده که از نقل روایات أهل‌سنت و عمل به آنها ـ هر چند در مدح أهل‌بیت علیهم‌السلام باشد ـ نهی فرموده‌اند، بلکه از آن حضرات علیهم‌السلام دستور رسیده که اگر مدرکی مبنی بر موافقت با آنها نداشتیم، مخالف آنها عمل کنیم). (حر عاملی، الفوائد الطوسیه، ص۳۶۵)

دوم: سند این روایات ـ به جز تعداد اندکی از آنها ـ بر همان مبنای مورد پذیرش أهل‌سنت، مخدوش و غیر قابل استناد می‌باشند.

سوم: روایات ذکر شده از نوع «خبر واحد» است که به خودیِ خود علم آفرین نمی‌باشند.

چهارم: برخی از راویان این روایات، همانند انس بن مالک و امثال وی، به سبب اثبات دروغ آنها در روایات دیگر، قابل اعتماد نیستند؛ چرا که او و مانند او به خاطر مصلحت خود تا می‌توانستند دروغ می‌گفتند. مؤید این گفتار، حدیث «طیر مشوی» (پرنده‌ی بریان) است؛ با اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله منتظر قدوم بهترین خلق خدا أمیرمؤمنان علیه‌السلام بود، انس

چندین بار حضرت علیه‌السلام را با دروغ‌گویی از ورود به منزل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله منع کرد و ایشان را برگرداند، چرا که او نمی‌خواست این فضیلت و منقبت، نصیب أمیرمؤمنان علیه‌السلام گردد. (ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج۱۵، ص۲۰۰؛ ج۴۲، صص۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳ و ج۴۵، ص۸۴؛ ابن عدی، الکامل في ضعفاء الرجال، ج۷، ص۲۸۴؛ ابن مغازلي، مناقب علي بن أبي‌طالب علیه‌السلام، صص۱۳۸ و۱۴۰؛ أبونعیم اصفهانی، ذکر أخبار اصبهان، ج۱، ص۲۳۲؛ ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج۷، صص۳۸۸-۳۹۰؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج۱، صص۱۷۵-۱۷۶). بنابراین چگونه می‌توان به روایات چنین افرادی اعتماد کرد که هیچ ابایی از دروغ گفتن ندارند؟!

پنجم: همان گونه که گذشت، این روایات از لحاظ مدلول، اضطراب، تعارض و تناقض بسیار شدیدی که با همدیگر دارند؛ تا آنجا که علاوه بر اختلاف در زمان نخستین جمع آوری، نخستین جمع کننده و تعداد جمع کنندگان، تعدادی از آنها جمع آوری قرآن را در دوره‌ی خاصی (همانند دوران حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یا دوران خلافت أبوبکر یا عمر یا عثمان) اثبات می‌کنند و تعدادی دیگر جمع آوری قرآن را در همان دوره‌ی خاص نفی می‌کنند.

آیت‌الله خویی رحمه‌الله از جمله محققان بزرگ امامیه در تفسیر «البیان» پس از نقل بیست و دو روایت از مهم‌ترین روایات أهل‌سنت در باب کیفیت جمع آوری قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هر چند این أخبار در شمار خبر واحد بوده و مفید علم نیستند، امّا از جهات مختلفی نیز مخدوش هستند، سپس ایشان جهت‌های خدشه‌دار شدن این أخبار را بدین گونه برمی‌شمارد.

جهت اول، تناقض این أخبار است که باعث می‌شود نتوان به آنها اعتماد نمود. ایشان در این جهت دوازده تناقض به صورت سؤال و جواب مطرح می‌کند.

جهت دوم، این أخبار با روایات دیگری که دلالت بر جمع آوری و تدوین قرآن در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌کنند، تعارض دارند و برای این تعارض چندین شاهد می‌آورد.

جهت سوم، تعارض روایات جمع آوری با آیه‌های قرآن است؛ چرا که بسیاری از آیه‌های قرآن ـ همچون آیه‌های تحدی ـ بر این أمر دلالت دارند که سوره‌های قرآن در میان مردم و

حتی مشرکان و أهل کتاب انتشار یافته بود و این بدان معناست که قرآن در دسترس آنها بوده است.

جهت چهارم، مخالفت روایات جمع آوری قرآن با حکم عقل است؛ زیرا عظمت قرآن، اهتمام پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان به حفظ و تلاوت قرآن و ثواب مترتب بر آن، با جمع آوری قرآن به شکلی که در روایات جمع آمده منافات دارد.

جهت پنجم، مخالفت روایات جمع قرآن با اتفاق نظر همه‌ی مسلمانان است که تنها راه اثبات قرآن را تواتر می‌دانند؛ زیرا مضمون این روایات می‌گوید: إثبات آیات قرآن در زمان جمع آوری منحصر به شهادت یک یا دو شاهد بوده است، بنابراین لازمه‌ی این سخن اثبات قرآن از راه خبر واحد خواهد بود؛ در حالی که هیچ مسلمانی نمی‌تواند به این سخن پایبند شود.

جهت ششم، لازمه‌ی صحیح دانستنِ روایات جمع آوری قرآن، قول به تحریف از جهت زیاده در آیه‌ها می‌باشد؛ چرا که وقتی این روایات را صحیح فرض کنیم و بتوان با آنها بر نقص آیه‌ها استدلال کرد، لازمه این استدلال قول به تحریف از جهت زیاده نیز وجود دارد. (نک: خویی، البیان في تفسیر القرآن، صص ۲۴۷-۲۵۷)

مرحوم آقای بلاغی رحمه‌الله نیز در مورد این روایات می‌نویسد: «در این روایات آمده که أبوبکر خود ابتدائاً پیشنهاد جمع قرآن را داده و از زید بن ثابت تقاضا نمود که قرآن را جمع نماید، امّا این کار بر زید سنگینی کرد. أبوبکر نیز آن قدر به او رجوع کرد تا در نهایت، زید پذیرفت. همچنین در این روایات وارد شده که زید بن ثابت خود ابتدائاً پیشنهاد جمع قرآن را داده و تصمیم بر این کار گرفت. او در این أمر با عمر سخن گفت. عمر نیز با أبوبکر در میان گذاشت و سرانجام أبوبکر با مسلمانان مشورت کرد. همچنین در آنها آمده که أبوبکر خود در زمان خلافت خویش قرآن را جمع کرد. همچنین در این روایات وارد شده که عمر در حالی کشته شد که موفق به جمع قرآن نشد. همچنین در آنها آمده که عثمان خود در زمان خلافتش دستورِ جمع آوری قرآن را صادر کرد. همچنین در آنها وارد شده که عمر خود هنگامی که قصد جمع آوری قرآن را داشت، به زید بن ثابت و سعید بن عاص دستور

داد که زید املا کند و سعید بنویسد. همچنین در آنها آمده که دستورِ املا و نوشتن توسط عثمان در زمان خلافت خویش و پس از کشته شدن عمر صورت گرفته است. همچنین در آنها وارد شده که املاکننده اُبیّ بن کعب، نویسنده زید و اعراب دهنده سعید بوده است. در حدیث دیگر آمده که سعید و عبدالله بن حارث اعراب دهنده‌ی قرآن بوده‌اند. این موارد برخی از مصادیق اضطراب و تعارض در این روایات است». (بلاغی، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، ج۱، ص۱۹)

ششم: چنانچه کسی بخواهد از قاعده‌ی تخییر برای رفع تعارض این روایات استفاده کند، خواهیم گفت: چنین قاعده‌ای در اینجا جاری نخواهد شد؛ چرا که تردید همیشه قبل از تحقّق عمل است و پس از آن دیگر معنایی نخواهد داشت. بنابراین در مورد روایات جمع آوری قرآن باید گفت: نخستین جمع آوری قرآن در یک مصحف که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد، تنها در یک زمان امکان وقوع دارد و از آنجا که روایات گذشته برای جمع آوری قرآن زمان‌های مختلفی را حکایت کرده‌اند، یا همه‌ی آنها بی‌اعتبارند یا تنها یک دسته از آنها صحیح است و سایر دسته‌ها از حجیت ساقط خواهند شد.

ششم: اگر کسی بگوید: تمام این روایات صحیح است و بین آنها می‌توان جمع کرد؛ در جواب خواهیم گفت: ضابطه‌ی جمع بین روایات، مخصوص احکام است و این اصول و ضوابط در إخبارات محال است. به عنوان نمونه، سه خبر فرض می‌شود؛ بر اساس خبر اول در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ سه نفر از صحابه قرآن را جمع آوری کرده‌اند، روایت دیگری از جمع آوری پنج نفر در همان دوران خبر دهد و حدیث سومی شش نفر را نام ببرد. این سه خبر با هم قابل جمع نیستند و به قطع دوتا از آنها یا هر سه دروغ هستند؛ چرا که در عالم واقع، امکان تحقق هر سه در یک زمان وجود ندارد، چون عمل یکی است و تنها یکی از أخبار می‌تواند درست باشد یا هیچ کدام صحیح نیست.

بنابراین در مورد روایات جمع آوری قرآن می‌گوییم: چون آنها از یک واقعیت خارجی خبر می‌دهند، باید به یک صورت اتفاق افتاده باشند. اما همان طور که ملاحظه شد، روایات جمع آوری قرآن حکایت از جمع آوری قرآن به صورت‌های مختلف می‌کنند. لذا

اگر در یک واقعه اختلاف وجود داشته باشد، هر کدام از این اختلافات مکذّب دیگری خواهد بود و همین چند دسته بودن روایات، عامل تکاذب و تساقط آنها می‌باشد.

۷. نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از مجموع روایات یاد شده، می‌گوییم: برخی از این روایات، صحیح و برخی ضعیف هستند و اختلاف‌های موجود در مضمون این أخبار باعث ایجاد تعارض و تناقض بین آنها شده است و تمام این روایات نیز خبر واحد می‌باشند، امّا محفوف به قرائن قطعی هستند که می‌توان گفت: آنچه مورد پذیرش است اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به حفظ و نوشتن آیه‌های الهی سفارش أکید می‌فرمود و این أمر باعث می‌شد مسلمانان به حفظ و نوشتن آیه‌های نازل شده در طول بازه‌ی زمانی نزول وحی همت گمارند که نتیجه‌ی آن جمع آوری و تدوین کل آیه‌های قرآن به شکل متواتر در مجموع حافظه‌ها و نگاشته‌های جداگانه‌ی مسلمانان شد. علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه و آله خود نیز هر آنچه از آیه‌های قرآن نازل می‌شد، آنها را توسط کاتب شخصی خود بر روی قطعه‌هایی از کاغذ، پوست، حریر و مواردی از این قبیل در نسخه‌ی خاصی ثبت کرده و نزد خویش نگاه می‌داشت، امّا تدوین این آیه‌ها در یک مصحف که ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد، تا هنگام پایان یافتن نزول قرآن امکان نداشت؛ زیرا تا زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال حیات بود، هر لحظه احتمال نزول آیه‌های قرآنی می‌رفت. بنابراین طبیعی است که پس از یأس از نزول آیه‌های الهی که به پایان یافتن حیات شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وابسته بود، قرآن قابل تدوین در یک مصحف بود. به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله این وظیفه‌ی مهم و خطیر را در وصیتی به قرآن ناطق و جانشین الهی خود سپردند که حافظ و مبیّن کتاب الهی بود. أمیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از وصیت آن حضرت صلی الله علیه و آله تبعیت کرد و به این مهم پرداخت. مصحف أمیرمؤمنان علیه السلام پس از تدوین به دلایلی پذیرفته نشد، امّا از آن جا که قرآن نخستین مرجع تشریع دین اسلام و زیربنای ساخت جامعه‌ی اسلامی است، ضرورت داشت دستگاه خلافت وقت، از دیگر حافظان و کاتبان کلام الهی استفاده کنند تا با جمع آوری آیه‌های قرآن، از روی قطعات سنگ،

چوب، کاغذ، استخوان و سینه‌های حافظان، قرآن را ضبط نمایند و خلأ از دست رفتن حافظان قرآن را جبران کنند. هر چند این گردآوری از روی نسخه‌ی خاصّ رسول خدا ﷺ که نزد أمیرمؤمنان علیه‌السلام بوده، صورت نپذیرفت، امّا از روی نگاشته‌های پراکنده و جداگانه‌ی مسلمانان که با سفارش پیامبر اکرم ﷺ نوشته شده بود و آنچه را که در سینه‌ها به صورت متواتر حفظ شده بود، صورت گرفت.

فهرست منابع

قرآن مجید

ابن أبی‌داود: عبدالله بن سلیمان (۳۱۶ق)، المصاحف، تحقق: محمد بن عبده، قاهره ـ الفاروق الحدیثه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.

ابن أبی‌شیبه: عبدالله بن محمد (۲۳۵ق)، المصنف في الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض ـ مکتبه الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

ابن حبان: محمد بن حبان (۳۵۴ق)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت ـ مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.

ابن حجر عسقلانی: أحمد بن علی (۸۵۲ق)، فتح الباري شرح صحیح البخاري، بیروت ـ دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی.

ابن حنبل: أحمد بن محمد (۲۴۱ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل (المسند)، تحقیق: شعیب الأرنؤوط ـ عادل مرشد و دیگران، بیروت ـ مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.

ابن سعد: محمد بن سعد (۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت ـ دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.

ابن عبدالبر: یوسف بن عبدالله (۴۶۳ق)، الاستیعاب في معرفه الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت ـ دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.

ابن عدی: عبدالله بن عدی (۳۶۵ق)، الکامل في ضعفاء الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت ـ دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۸م.

ابن عساکر: علی بن حسن (۵۷۱ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: عمرو بن غرامه العمروی، بیروت ـ دارالفکر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.

ابن کثیر: إسماعیل بن عمر (۷۷۴ق)، البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت ـ دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.

ابن مغازلی: علی بن محمد (۴۸۳ق)، مناقب علي بن أبي طالبQ، انتشارات سبط النبیO، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.

ابن ندیم: محمد بن إسحاق (۴۳۸ق)، الفهرست، تحقیق: إبراهیم رمضان، بیروت ـ دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
أبونعیم: أحمد بن عبدالله (۴۳۰ق)، حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر ـ السعاده، ۱۳۹۴ق/۱۹۷م.
أبونعیم: أحمد بن عبدالله (۴۳۰ق)، ذکر أخبار اصبهان، لیدن ـ بریل، ۱۹۳۴م.
باقلانی: محمد بن طیب (۴۰۳ق)، الانتصار للقرآن، تحقیق: محمد عصام القضاه، عَمَّان ـ دارالفتح/ بیروت ـ دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
بخاری: محمد بن إسماعیل (۲۵۶ق)، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأیّامه (صحیح البخاری)، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی‌جا ـ دارطوق النجاه (افست از سلطانیه)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
بلاغی: محمدجواد بن حسن (۱۳۵۲ق)، آلاء الرحمن في تفسیر القرآن، صیدا ـ چاپخانه عرفان، ۱۳۵۲ق/۱۹۳۳م.
بیهقی: أحمد بن حسین (۴۵۸ق)، السنن الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت ـ دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
بیهقی: أحمد بن حسین (۴۵۸ق)، شعب الإیمان، تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد، ریاض ـ مکتبه الرشد/بومبای هند ـ الدارالسلفیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م.
حاکم حسکانی: عبیدالله بن عبدالله (۴۹۰ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران ـ مجمع احیای فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
حاکم نیشابوری: محمد بن عبدالله (۴۰۵ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ـ دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م.
حر عاملی: محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، الفوائد الطوسیه، تحقیق: سید مهدی لازوردی و محمد درودی، قم ـ چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
حکیم: محمدباقر بن محسن (۱۴۲۴ق)، علوم القرآن، قم ـ مجمع الفکر الاسلامي، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
خویی: أبوالقاسم بن علی اکبر (۱۴۱۳ق)، البیان في تفسیر القرآن، بیروت ـ دارالزهراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م.
زرکشی: محمد بن عبدالله (۷۹۴ق)، البرهان في علوم القرآن، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، قاهره ـ دارإحیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م.
سیوطی: عبدالرحمن بن أبی‌بکر (۹۱۱ق)، الإتقان في علوم القرآن، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، مصر ـ الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
سیوطی: عبدالرحمن بن أبی‌بکر (۹۱۱ق)، الدیباج علی مسلم، عربستان سعودی ـ دارابن عفان، چاپ اول، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
سیوطی: عبدالرحمن بن أبی‌بکر (۹۱۱ق)، تاریخ الخلفاء، تحقیق: حمدی الدمرداش، مکه مکرمه ـ مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ اول، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.

طباطبایی: محمدحسین بن محمدقاضی (۱۴۰۲ق)، قرآن در إسلام، تصحیح: رضا ستوده، تهران ـ دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۴ق/ ۱۳۵۳ش.
طبرانی: سلیمان بن أحمد (۳۶۰ق)، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره ـ مکتبة ابن‌تیمیه، چاپ دوم، بی‌تا.
عینی: محمود بن أحمد (۸۵۵ق)، عمده القاري شرح صحیح البخاري، بیروت ـ دارإحیاء التراث العربي، بی‌تا.
قسطلانی: أحمد بن محمد (۹۲۳ق)، إرشاد الساري لشرح صحیح البخاري، مصر ـ چاپخانه أمیریه، چاپ هفتم، ۱۳۲۳ق.
قندوزی: سلیمان بن إبراهیم (۱۲۹۴ق)، ینابیع الموده لذوي القربی، تحقیق: سید علی جمال أشرف الحسینی، بی‌جا ـ دارالأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
مبارکفوری: محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم (۱۳۵۳ق)، تحفه الأحوذي بشرح جامع الترمذي، بیروت ـ دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
متقی هندی: علي بن حسام الدین (۹۷۵ق)، کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی وصفوه السقا، بیروت ـ مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
محب الدین طبری: أحمد بن عبدالله (۶۹۴ق)، الریاض النضره في مناقب العشره، بیروت ـ دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بی‌تا.
مسلم نیشابوری: مسلم بن الحجاج (۲۶۱ق)، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول الله ﷺ (صحیح مسلم)، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت ـ دارإحیاء التراث العربی، بی‌تا.
نسائی: أحمد بن شعیب (۳۰۳ق)، السنن الکبری، تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبی، بیروت ـ مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
هیثمی: علی بن أبی‌بکر (۸۰۷ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، تحقیق: حسام‌الدین القدسی، قاهره ـ مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
یعقوبی: أحمد بن أبي یعقوب (پس از ۲۹۲ق)، تاریخ الیعقوبي، بیروت ـ دارصادر/قم ـ مؤسسه نشر فرهنگ أهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا.